

شکاف نسلی و عوامل تاثیرگذار در میان دانش‌آموزان آموزشگاه‌های زبان انگلیسی؛ منطقه جنوب شرق تهران

روح‌اله ترکی، علی احمدی شکوه^۲

چکیده

یکی از پدیده‌های جامعه‌شناسی کهن و بسیار حیاتی در طول سال‌های زندگی بشر، پدیده شکاف نسلی است. از جمله دلایل بروز این پدیده می‌توان به اتخاذ شیوه‌های مختلف در ایجاد تعاملات، گسترده شدن ارتباطات و روابط اجتماعی، و درونی شدن ارزش‌ها و هنجارها به شیوه‌های مختلف اشاره کرد که این عوامل سبب شکل‌گیری روند ناهمسان شدن جامعه‌پذیری و در نهایت شکاف نسل‌ها شده است. پژوهش حاضر، میزان شکاف نسلی بین دانش‌آموزان پسر برخی آموزشگاه‌های زبان انگلیسی منطقه جنوب شرق تهران و عوامل موثر در آن را با روش پیمایشی مورد بررسی و کاوش قرار داده است. انتخاب دانش‌آموزان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای صورت گرفته که در آن تعداد ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان شرکت داشته‌اند. گفتنی است که داده‌های مورد نیاز این تحقیق از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده که اعتبار محتوایی پرسشنامه را نیز تعداد ۳ نفر از اساتید با تجربه آموزشی بررسی و تایید کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای مورد نظر در این مطالعه از قبیل دینداری، میزان کاربرد وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی، پشتوانه فرهنگی و اقتصادی، میزان تحصیلات والدین، و سن ارتباط معناداری با شکاف نسلی دارند.

واژگان کلیدی: شکاف نسلی، دینداری، پشتوانه اقتصادی- فرهنگی، وسایل ارتباط جمعی، شبکه‌های اجتماعی

^۱ کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص) r.torki3@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه علوم و فنون فارابی

مقدمه

شکاف نسلی مفهومی بسیار گسترده و پیچیده است که محدوده تحلیل و بررسی آن شامل اختلافات روانی، اجتماعی و فرهنگی از یک طرف و تفاوت در بینش و آگاهی، اعتقادات، پندارها، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی و الگوهای رفتاری میان دو یا چند نسل از طرف دیگر می‌باشد که این امور را بطور همزمان در یک جامعه مورد بررسی و کاوش قرار می‌دهد. از دیرباز تاکنون این موضوع توسط اکثر جامعه‌شناسان، روانشناسان، روانشناسان اجتماعی، مردم‌شناسان فرهنگی، صاحبان اندیشه‌های سیاسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در صورتی که انتقال فرهنگ با مشکل مواجه شود یکی از پیامدهای آن، شکل‌گیری پدیده تلخ اجتماعی شکاف ارزشی درون خانواده و بین نسل‌ها خواهد بود. از آنجا که انتقال فرهنگی حد فاصل بین دو فرایند انتقال کامل و انتقال کاملاً ناقص، تعریف شده است- انتقال کاملاً مشابه میان والدین و فرزندان (کامل)، و انتقال بدون هیچگونه تشابه بین این دو نسل (انتقال کاملاً ناقص)- اگر به هر یک از این دو شکل صورت گیرد، در واقع آسیبی بزرگ و جدی برای جوامع به شمار خواهد رفت. از جمله دلایل این آسیب بزرگ می‌توان به عدم بروز نوآوری و اجازه عکس‌العمل نسل جدید در مقابل فرصت‌ها و موقعیت‌های جدید اشاره کرد که در این صورت نسلی نو با مفهوم واقعی جامعه‌شناختی دارای تفاوت‌ها و نگرش‌های مختص خود، شکل نخواهد گرفت. از طرف دیگر هم، انتقال کاملاً ناقص اجازه بروز کنش و واکنش هماهنگ بین نسل‌ها را نمی‌دهد (موسوی، ۱۳۹۱: ۵۳).

۱۰۶

پدیده شکاف نسلی میان والدین و فرزندان به منزله نسل دیرروز و نسل امروز، به یکی از مسائل اساسی و عمده در حوزه آسیب‌شناسی خانواده تبدیل شده است. به عبارتی دیگر، یک دگرگونی و تغییری بنیادی در ساختار روابط بین والدین و فرزندان، در خانواده‌های مدرن و امروزی به چشم می‌خورد. در خانواده معاصر، فاصله بین فرزندان و والدین‌شان به دلایل عمده‌ای از قبیل فردیت محوری، اهمیت یافتن حقوق فردی، کاهش شأن و منزلت مقام والدین، و دسترسی بسیار آسان فرزندان نسل جدید به وسایل ارتباطات جمعی و شبکه‌های اجتماعی روزبه‌روز وسیع‌تر می‌شود. زمانیان (۱۳۸۷) عقیده دارد که موج مدرن‌گرایی که سبب معرفی و شکل‌گیری مواردی همچون آموزش همگانی، گسترش رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی، افزایش آگاهی‌های عمومی و بسیاری موارد دیگر در میان افراد جامعه بویژه نسل جدید شده است، موجب شده تا حوزه ارتباطات انسانی و اجتماعی آنها وسیع‌تر شود. شکاف نسلی همچون شمشیری دولبه است که از یک طرف با تأکید بر ارزش‌های فردگرایانه باعث پیشرفت جامعه می‌شود و از سوی دیگر، تبعاتی منفی مثل انواع انحرافات اجتماعی را بدنبال دارد (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

معیدفر (۱۳۸۳) در تحقیق خود اظهار داشته است که بروز تعارضات و اختلافات میان نسلی (بین والدین و فرزندان) مسئله‌ای است که اخیراً با عنوان شکاف نسل‌ها از ناحیه آن احساس خطر می‌شود و در نتیجه سبب

تشویش اذهان اندیشمندان، برنامه‌ریزان، و حتی توده مردم شده است. شواهد و یافته‌ها نشان می‌دهند که در سال‌های اخیر به تدریج چالش بین والدین و فرزندان، روندی سعودی به خود گرفته است. در صورت عمیق‌تر شدن فاصله و جدایی بین اعضاء خانواده، تعارض بین نسل‌ها شکل خواهد گرفت که این موضوع همان شکاف نسلی است. از آنجا که جامعه همیشه روندی رو به رشد و پیشرفت داشته و دارد، باید توجه داشت که این دوران گذار تأثیرات مهمی در زندگی انسان و افراد جامعه می‌گذارد که باتوجه به مقتضیات اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی هر جامعه‌ای این تأثیرات متفاوت خواهد بود.

امروزه در حوزه جامعه‌شناسی نیز از جمله مفاهیم برجسته و مهم، موضوع شکاف نسلی است. این موضوع زمانی نمود بیشتری پیدا می‌کند که در این روند رو به پیشرفت، بیشترین تأثیرات متوجه قشر جوان می‌شود، بنابراین توجه به آن بسیار حائز اهمیت است. در این مقاله شکاف نسلی بین والدین و فرزندان در آموزشگاه‌های زبان انگلیسی منطقه جنوب شرق تهران در ارتباط با چند عامل مهم از جمله وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی، پشتوانه اقتصادی، پشتوانه فرهنگی، دینداری، سن، تحصیلات والدین و جنسیت بررسی شده است. از اهداف اصلی این پژوهش می‌توان به بررسی عوامل مهم در بروز شکاف نسلی بین والدین و فرزندان اشاره کرد. درک اینکه چه عواملی موجب بروز شکاف نسلی بین والدین و فرزندان می‌شود، امری بس ضروری است تا بتوان گام‌هایی در زمینه کاهش اینگونه عوامل برداشت. بنابراین، پرسش اصلی مقاله این است که ۱۰۷ کدام عوامل موجب بروز شکاف نسلی بین والدین و فرزندان می‌شود؟

اهداف عمده پژوهش

تعیین عوامل موثر در بروز شکاف نسلی بین والدین و فرزندان در آموزشگاه‌های زبان انگلیسی منطقه جنوب شرق تهران با بررسی موارد مشروحه زیر:

- بررسی اثرگذاری دینداری در شکاف نسلی؛
- بررسی تأثیر استفاده جوانان از وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی در شکاف نسلی؛
- بررسی تأثیر پشتوانه اقتصادی در شکاف نسلی؛
- بررسی تأثیر پشتوانه فرهنگی در شکاف نسلی؛
- بررسی ارتباط بین سن دانش‌آموزان با شکاف نسلی؛
- تعیین ارتباط بین میزان تحصیلات والدین با شکاف نسلی.

پیش‌فرض‌های پژوهش

- دینداری در بروز شکاف نسلی، تاثیری ندارد؛
- استفاده جوانان و دانش‌آموزان از وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی بر ایجاد شکاف نسلی، تاثیرگذار نیست؛
- پشتوانه اقتصادی بر بروز شکاف نسلی موثر نمی‌باشد؛
- پشتوانه فرهنگی بر بروز شکاف نسلی موثر نمی‌باشد؛
- بین سن دانش‌آموزان و شکاف نسلی ارتباطی وجود ندارد؛
- میزان تحصیلات والدین و شکاف نسلی، با همدیگر مرتبط نیستند.

باتوجه به مطرح شدن این پیش‌فرض‌ها، اکنون با ارائه مبانی نظری و پیشینه تحقیق، به بررسی برخی مطالعات خواهیم پرداخت تا روابط این متغیرها بر بروز شکاف نسلی را در تحقیقات قبلی، مشخص شود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

موضوع شکاف نسلی به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران تا پیش از پیدایش جامعه صنعتی، مسئله‌ای نه چندان ۱۰۸ حائز اهمیت بوده و حتی پیش از قرن حاضر از آن بعنوان مسئله‌ای اجتماعی مهم یاد نمی‌شده است. در گذشته انجام تغییرات و تغییرپذیری، فرایندی کند بود زیرا مراتب و موقعیت‌های اجتماعی گروه‌های سنی مختلف، اختلاف بسیار ناچیزی با هم داشتند. اصل احترام به بزرگترها، خیلی خوب و مناسب، رعایت می‌شد. آداب و رسوم و فرهنگ جوامع به نسل جدید بدون هرگونه جهش، انتقال می‌یافت. و در نهایت، الگوهای واحد اندیشه و تفکر و رفتار در نسل‌ها به چشم می‌خورد (شفرز، ۱۳۸۳: ۴۰). اما امروزه با شکل‌گیری شرایط اجتماعی مدرن در پی رشد جوامع پس از جنگ جهانی دوم و افزایش یافتن میزان آگاهی مردم از وضعیت خود و جوامع دیگر و وجود توانایی بالقوه در نسل جدید، همگی سبب بروز نگرش‌های جدید در نسل جوان گردید. در نتیجه تمامی این امور، شکاف نسلی به منزله پدیده اجتماعی نوظهور و برجسته خودنمایی کرد. بنابراین، رایج برشمردن تفاوت‌های طبیعی بین نسل‌های قدیم و جدید، امری اشتباه بنظر می‌رسید. این برداشت که نسل امروزی بسیار عمیق‌تر از نسل گذشته می‌فهمد و در پی تغییرات است و توانایی بیشتری دارد، واقعیتی آشکار شده است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که مسائل نسلی از جمله موارد مشترک دنیای امروزی شده است به ویژه در جوامعی که روند تغییرات اجتماعی در آنها، شتاب و سرعت بیشتری دارد (موسوی، پیشین: ۵۸).

برخی از متفکرین از قبیل بنگستون، سه دیدگاه عمده درباره شکاف یا گسست نسلی مطرح می‌کنند:

۱- دیدگاه حامی و پشتیبان وجود شکاف بزرگ نسلی؛

۲- دیدگاه مخالف با وجود شکاف نسلی که آن را توهم و ناشی از فریب افکار عمومی از سوی رسانه‌های جمعی می‌داند؛

۳- دیدگاه اعتدال‌گرا که اعتقاد به وجود گسست و تفاوت انتخابی میان نسل‌ها دارد.

از منظر پیروان دیدگاه اول، شکاف نسلی میان جوانان و بزرگسالان جوامع مختلف نسبتاً گسترش یافته و رشد سریعی داشته است. در این دیدگاه، فرهنگ و تفکر جوانی به مخالفت با فرهنگ مسلط بزرگسالان می‌پردازد. فرهنگ بزرگسالان، ارزش‌های رایج را قبول دارد و می‌پذیرد اما فرهنگ جوانی الگوهای نقشی خود را قبول دارد با این تفاوت که فاقد داده‌های تجربی بوده و در توضیح علت تمایز داشتن ارزش‌ها و هنجارهای جوانان با بزرگسالان، ناتوان است. اما پیروان دومین دیدگاه معتقدند که ارزش‌های جوانان و بزرگسالان از نقاط مشترکی برخوردارند و به نظر می‌رسد جوانان، ارزش‌های اجتماعی دیگری در مقایسه با بزرگسالان دارند، اما این شکاف، ربطی به پذیرش ارزش‌های متفاوت میان جوانان ندارد. به عبارت دیگر، اختلاف بین نسلی ناشی از وسایل بکار گرفته شده برای تحقق ارزش‌های پذیرفته شده و مشابه با ارزش‌های بزرگسالان است نه پذیرش ارزش‌های متفاوت با آنان؛ درون مایه سومین دیدگاه، یعنی گسست و تفاوت انتخابی، پذیرفتن اختلاف نه چندان بزرگ بین ارزش‌های موجود در نسل‌هاست؛ در عین حال حامیان این دیدگاه با فرضیه **توهم شکاف و القایی بودن** شکاف نسلی موافق‌اند. مشکل این دیدگاه از نظر بنگستون این ۱۰۹ است که دقیقاً مشخص نمی‌کند این اختلافات چیست؟، چطور ایجاد می‌شود؟ و در آینده چه پیامدهایی دارد؟ (معیدفر، پیشین: ۵۸).

اینگلهارت (۱۳۸۲) در خصوص تفاوت نسل‌ها بیان می‌کند که ۱- براساس فرضیه چرخه زندگی، تفاوت نسل‌های مختلف، امری طبیعی است چرا که هر گروه سنی با گذر از هر دوره زندگی خود و وارد شدن به دوره جدید، ارزش‌های قبلی کم رنگ‌تر می‌شوند و ارزش‌های جدیدتر جایگزین آنها می‌شوند، ۲- برمبنای فرضیه دوره‌ای، برخی ساختارهای بنیادی اقتصادی و اجتماعی دستخوش تغییرات شده که منجر به تغییر شرایط زندگی و ارزش‌های افراد جامعه می‌شود. البته لازم به ذکر است که معمولاً جوانان در مقایسه با بزرگسالان، زودتر در مسیر تغییرات قرار می‌گیرند، و در نهایت، ۳- فرضیه ترکیبی که ملغمه‌ای از فرضیه‌های اول و دوم است، بیان می‌کند که چرخه زندگی، مقتضیات سنی و تغییرات بنیادی به تدریج از یک نسل به نسل دیگر منتقل شده و جایگزین ارزش‌های قبلی می‌شود.

برخی از صاحبان نظر نیز عقیده دارند که شکل‌گیری شکاف نسلی به دلیل وجود جوامع متمایز از هم برمبنای آیت‌سن و سال است. بدین ترتیب که جوانان و بزرگسالان بصورت معنادار و مستمر با همدیگر در تعارض نیستند بلکه گروه‌های جوانان با جوانان و گروه‌های بزرگسالان با بزرگسالان در کنش متقابل با همدیگر قرار

دارند. این فرایند بیشتر در میان خانواده‌های سنتی، قابل مشاهده است زیرا که در این خانواده‌ها، اعضاء گروه‌های سنی مختلف، با همدیگر تعامل ندارند و تعامل افراد عمدتاً در گروه‌های سنی همسان انجام می‌گیرد. بنابراین به تدریج هر گروه سنی دارای ارزش‌های خاص خود می‌شود و از گروه‌های سنی دیگر تمایز اساسی پیدا می‌کند. از طرفی دیگر، اینگلهارت معتقد است که جهانی شدن ارتباطات و رسانه‌های گروهی و گسترش روزافزون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر عمیق‌تر شدن شکاف نسلی و ارزش‌های انسانی نسل‌ها، اثر گذاشته است.

مثلاً پوشیدن لباس‌های یک شکل با تصاویر معنادار توسط تعداد کثیر جوانان در یک جامعه و گوش دادن به سبک‌های جدید موسیقی با درون مایه‌های خاص اجتماعی و فرهنگی از نمونه‌های بارز تأثیر استفاده از اینگونه رسانه‌هاست که سبب تغییر و دگرگونی در مجموعه رفتارها، سنت‌ها، الگوهای فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های نسل کنونی و پایبند نبودن آنها به سنت‌های فرهنگی شده است. اینگونه تغییرات هنجارها و ارزش‌های اجتماعی به سرعت در رسانه‌های گروهی بازتاب می‌یابد و ممکن است مردم آنها را به آسانی بپذیرند. گسترش سریع گرایش‌های جدید در فرهنگ جوانان بیشتر به رسانه‌هایی مانند اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، تلویزیون، رادیو، مجلات ویژه جوانان، و سینما بستگی دارد (منصورنژاد، ۱۳۸۲: ۳۳۶). همچنین مرادی (۱۳۹۳)، با انجام مطالعه‌ای در بین تعداد ۳۴۰ نفر از دانشجویان دکتری، کارشناسی ارشد و لیسانس در محدوده سنی ۱۹ تا ۲۵ سال بعنوان نسل جوان و همین مقاطع تحصیلی در محدوده سنی ۳۵ تا ۵۵ سال بعنوان نسل بزرگسال، به بررسی شکاف نسلی و میل به مصرف کالاهای فرهنگی پرداخته که نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد فاصله سنی، تحصیلات، وضعیت تاهل، و فضای فرهنگی تاثیر بسزایی بر میزان مصرف کالای هنری و فرهنگی دارد.

بعنوان مثال اسمیت (۲۰۰۲) از یک طرف و راجرز و برادی (۲۰۰۲) ضمن انجام مطالعه‌ای با مضمون تاثیر تکنولوژی و شبکه‌های اجتماعی در شکاف نسلی به بررسی میزان و چگونگی استفاده جوانان و والدین از وسایل و رسانه‌های ارتباط جمعی، سامانه پیام کوتاه، پست الکترونیکی و تلفن همراه پرداخته‌اند که یافته‌های تحقیق آنها حاکی از آن بود که جوانان بصورت کاملاً متفاوت از والدین خود و بزرگسالان از اینگونه وسایل استفاده می‌کنند. بدین صورت که جوانان زمانی از این وسایل استفاده می‌کنند که تفریحات و سرگرمی خاصی با هم‌نوعان خود ندارند. همچنین شمیرانی (۱۳۹۴) با انجام یک مطالعه در میان تعداد ۱۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد کازرون به بررسی تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر شکاف نسلی میان این دانشجویان پرداخت. وی که با ارائه یک پرسشنامه در زمینه میزان استفاده دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی و یک پرسشنامه در خصوص شکاف نسلی به جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز خود پرداخته بود پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات به این نتیجه دست یافت که میان میزان استفاده دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی و شکاف نسلی،

ارتباط معناداری وجود دارد. پشتوانه اقتصادی و فرهنگی از جمله عوامل تأثیرگذار مرتبط با شکاف نسلی است. محققین بر این باورند که عوامل اجتماعی تا آنجا با همدیگر وجه مشترک دارند که در این سیستم دوبعدی به یکدیگر نزدیک باشند و میزان تفاوت‌هایشان بستگی به این دارد که در این دستگاه چقدر از هم فاصله داشته باشند. در واقع این دو پشتوانه سرچشمه تفاوت در سلیقه‌ها و موضع‌گیری‌ها به شمار می‌روند (فعلی، ۱۳۸۸). محمدی (۱۳۸۸) طی یک مطالعه درخصوص شکاف نسلی خانواده‌های ایرانی به بررسی عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی تأثیرگذار پرداخته است که نتایج آن نشان می‌دهد تأثیرات چنین عواملی در شکاف نسلی بین پدران، مادران، دختران و پسران معنادار است، و پس از محاسبه شکاف ارزشی کلی به این نتیجه رسید که میانگین ارزش‌های پسران و دختران تفاوت درخور ملاحظه‌ای با پدران و مادران داشته است.

آخرین عامل تأثیرگذار بر ایجاد شکاف نسلی، دین و دینداری افراد هر جامعه محسوب می‌شود. دین یک نظام یکپارچه عقاید و عمل به مقدسات است. در حقیقت، دین یک پدیده جهانی و ابزار پیوند میان انسان‌هاست. دین دریچه بیان روابط میان جوامع بشری است چه روابط مبهم و چه روابط صمیمانه. دین پاسخ مناسبی است برای دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی و کوششی است برای کنار آمدن با واقعیت‌های تلخ و ناگوار. این مفهوم دین سبب ایجاد اعتماد به نفس در میان انسان‌ها شده و به آنها این توانایی را می‌دهد تا بر مشکلات

۱۱۱

خود فائق شوند (سراجزاده، ۱۳۸۳: ۷۵). احمدی (۱۳۸۸) اقدام به انجام یک مطالعه در میان تعداد ۳۶۰ نفر از شهروندان ۱۸ تا ۲۹ سال و ۴۰ سال به بالای مناطق مختلف شهر سنندج بعنوان جامعه آماری نموده تا نقش و تأثیر دین و دینداری بر شکاف نسلی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. یافته‌های پژوهش وی حاکی از آن بوده است که رتبه نسل بزرگسال در مبحث دینداری نسبتاً بالاتر از رتبه نسل جوان بوده و تفاوت معناداری میان دو نسل در ابعاد مناسبی و پیامدی دینداری و نگرش به آینده دین وجود دارد.

از طرفی دیگر، بهار و رحمانی (۱۳۹۱) با هدف بررسی تأثیر مقوله دینداری بر شکاف نسلی دست به انجام یک مطالعه بین دو نسل متفاوت - دهه ۵۰ بعنوان نسل بزرگسال و دهه ۷۰ بعنوان نسل جوان می‌زنند. آنها با انتخاب ۴ نفر از نسل دهه ۵۰ و چهار نفر از نسل دهه ۷۰ بعنوان جامعه آماری خود، مصاحبه عمیقی به روش کیفی انجام می‌دهند. نتایج تحقیق آنها نشان داد اگرچه نسل جوان از نظر گرایش احساسی به مناسک دینی همراهی مناسبی از خود نشان داده‌اند اما از منظر گرایش شناختی و عملی نه تنها همراهی مناسبی مشاهده نشده بلکه در بعد اجتماعی مناسک دینی به مخالفت با آن پرداخته و نشانه‌هایی از عدم همراهی بدست آمده است. در حقیقت بین نسل جوان و نسل بزرگسال از نظر شکاف نسلی و دیدگاه دینداری، ارتباط معناداری مشاهده شده است.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر ضمن اینکه یک بررسی پیمایشی از نوع همبستگی است، در عین حال یک بررسی کاربردی و مقطعی نیز محسوب می‌شود. داده‌های این تحقیق از طریق پرسشنامه در طیف لایکرت جمع‌آوری و نتایج تجزیه و تحلیل آن با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است. لازم به ذکر است که اعتبار سوالات مندرج در پرسشنامه از طریق اعتبار صوری انجام گرفته است بدین صورت که تعداد ۳ نفر از اساتید متخصص و با تجربه اعتبار آن را تایید کرده‌اند.

جامعه آماری

نمونه‌گیری در تحقیق حاضر بصورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام گرفته است. بدین معنا که ابتدا تعداد ۸ آموزشگاه زبان انگلیسی در سطح مناطق افسریه و دولت‌آباد (افسریه ۵ آموزشگاه و دولت‌آباد ۳ آموزشگاه) مشخص گردیدند. در مرحله بعدی باتوجه به تناسب حجم دانش‌آموزان از هر کدام از مناطق پیش گفته تعداد یک آموزشگاه انتخاب گردید که در مجموع، تعداد ۳۰۰ نفر از فراگیران زبان انگلیسی در دو آموزشگاه بعنوان جامعه آماری این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند.

۱۱۲

تعاریف عملیاتی

شکاف نسلی: باتوجه به تعریف ارائه شده از شکاف نسلی در بخش مبانی نظری، تعریف مدنظر تحقیق حاضر شامل اختلاف نظرهای بین دو نسل جوان و بزرگسال در زمینه ارزش‌ها، هنجارها، و نگرش‌ها در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی است. **دینداری:** قرائت قرآن، مطالعه ترجمه آیات قرآن، خواندن نمازهای یومیه، شرکت در نماز جمعه به صورت تنهایی یا همراه با والدین، شرکت در نماز جماعت بصورت تنهایی یا همراه با والدین، شرکت در مراسم مذهبی از قبیل جشن‌های مذهبی و عزاداری‌ها، مطالعه کتاب‌های مذهبی و دینی، ترس از ارتکاب گناه، احساس ترس از خدا، احساس توبه از جمله معرف‌هایی بودند که در پرسشنامه مربوط به بخش دینداری از شرکت کنندگان پرسیده شده بود.

پشتوانه فرهنگی: معرف‌های مدنظر برای این مقوله شامل میزان تحصیلات، علاقه و سلیق مطالعاتی، میزان علاقه به خواندن روزنامه، میزان علاقه به مطالعه مجلات فرهنگی، علاقه به مطالعه کتاب‌های داستان، شرکت در سخنرانی‌ها، شرکت در کارهای فرهنگی مدرسه، شرکت در مسابقات مختلف فرهنگی از قبیل مسابقات کتابخوانی، میزان علاقه به سرودن شعر و میزان علاقه به داستان‌نویسی بوده است.

پشتوانه اقتصادی: در این تحقیق، به منظور سنجش پشتوانه اقتصادی از میزان درآمد ماهانه والدین، داشتن شغل دوم برای پدر، ارزش منزل مسکونی، ارزش خودروی سواری والدین، ارزش زمین یا ملک شخصی والدین (در صورت مستاجر نبودن)، میزان علاقه به کسب درآمد در بین خود دانش‌آموزان، میزان درآمد ماهیانه دانش‌آموزان (در صورت شاغل بودن)، مقدار پول جیبی ماهیانه بطور متوسط استفاده شده است. **وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی:** منظور از این ابزارها همان رادیو، تلویزیون، تلفن همراه و اینترنت است که از طریق آنها مجموعه‌ای از پیام‌ها به مخاطبین منتقل می‌شود. در تحقیق حاضر برای سنجش این متغیر از معرف‌های میزان استفاده از تلویزیون، میزان تماشای سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی داخلی و خارجی، میزان گوش دادن به برنامه‌های رادیویی، میزان استفاده از ماهواره، میزان استفاده از اینترنت، میزان استفاده از اینترنت تلفن همراه، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، میانگین ساعت آنلاین بودن در طول یک شبانه روز، و میزان حجم دانلود روزانه استفاده شده است.

سن شرکت کنندگان: منظور از این متغیر همان تعداد سال‌های زندگی آنها می‌باشد. البته لازم به ذکر است که میزان اختلاف سنی شرکت کنندگان در تحقیق حاضر چشمگیر و تأثیرگذار بر نتایج مطالعه نبوده است. **میزان تحصیلات والدین:** منظور از این معرف همان میزان دانش و سواد والدین است. برای عملیاتی کردن آن، این متغیر در سطح سنجش ترتیبی با مقاطع مشخص علمی از قبیل بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، دیپلم ۱۱۳ (متوسطه)، فوق دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری سنجیده شده است.

نتایج تحقیق

یافته‌های توصیفی

جدول (۱) آمار توصیفی نتایج پرسشنامه

| ردیف | بیسواد | ابتدایی | راهنمایی | دیپلم | فوق دیپلم | کارشناسی | کارشناسی- ارشد | دکتری |
|---------------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-------------------|----------|
| سطح سواد پدر | ۸ درصد | ۱۰/۷ درصد | ۱۴ درصد | ۲۶/۷ درصد | ۲۰/۷ درصد | ۱۴/۸ درصد | ۳/۳ درصد | ۱/۳ درصد |
| سطح سواد مادر | ۲۰/۹ درصد | ۲۱/۱ درصد | ۲۴/۳ درصد | ۱۶/۷ درصد | ۱۰/۱ درصد | ۶ درصد | - | - |
| جمع کل | ۲۸/۹ درصد | ۲۱/۸ درصد | ۳۸/۳ درصد | ۴۳/۴ درصد | ۳۰/۸ درصد | ۲۰/۸ درصد | ۳/۳ درصد | ۱/۳ درصد |

جدول فوق نشان می‌دهد که سطح سواد پدران در مقایسه با سطح سواد مادران بیشتر بوده است. این موضوع در مقایسه آماری مربوط به درصدهای سطوح بیسوادی، ابتدایی و راهنمایی مادران و پدران به خوبی قابل برداشت می‌باشد. در این مقاطع تحصیلی، سطح سواد مادران از درصدهای بالاتری نسبت به سطح سواد پدران برخوردار هستند. در مقابل سطح سواد پدران در مقاطع ارشد و دکتری صد در صد بیشتر از سطح سواد مادران بوده است زیرا در این مقاطع، مادران هیچ سابقه‌ای نداشته‌اند. گفتنی است که پایه تحصیلی پاسخگویان سوم راهنمایی ۲۵ درصد، اول دبیرستان ۲۸/۷ درصد، دوم دبیرستان ۲۰/۳ درصد، سوم دبیرستان ۱۶ درصد، و دانشجو ۱۰ درصد بوده است.

جدول ۲) آمار پراکندگی مربوط به متغیرهای اصلی در موضوع تحقیق

| ردیف | متغیر مستقل | دامنه تغییرات | حداقل | حداکثر | میانگین |
|------|--------------------------------------|---------------|-------|--------|---------|
| ۱ | دینداری | ۱۹ | ۱۸ | ۵۹ | ۳۹/۵۰ |
| ۲ | پشتوانه فرهنگی | ۲۹ | ۱۷ | ۴۹ | ۳۵/۰۹ |
| ۳ | پشتوانه اقتصادی | ۲۰ | ۶ | ۲۴ | ۱۱/۰۶ |
| ۴ | سن | ۴۴ | ۱۵ | ۲۰ | ۱۷/۲۳ |
| ۵ | وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی | ۸۹ | ۶ | ۹۵ | ۲۱/۰۶ |

۱۱۴

براساس آمارهای توصیفی، متغیر مستقل دینداری با استفاده از ۱۹ گویه در مقیاس رتبه‌ای ۵ گزینه‌ای اندازه‌گیری شده که این نمره نشان دهنده پایین‌ترین سطح دینداری می‌باشد. با توجه به بالاترین سطح دینداری یعنی نمره ۵۹ و میانگین آن ۳۹/۵۰ می‌توان اینگونه استنباط کرد که نمره متغیر دینداری متوسط رو به بالاست. دومین متغیر پشتوانه فرهنگی می‌باشد که با استفاده از ۲۹ گویه در مقیاس رتبه‌ای ۵ گزینه‌ای اندازه‌گیری شده است. با در نظر گرفتن حداکثر نمره این متغیر ۴۹ و میانگین ۳۵/۰۹ می‌توان گفت که نمره پشتوانه فرهنگی متوسط به بالاست. متغیر مستقل پشتوانه اقتصادی نیز با استفاده از ۵ گویه در مقیاس رتبه‌ای ۵ گزینه‌ای اندازه‌گیری شده است که نمره ۲۰ و حداکثر ۲۴ با میانگین ۱۱/۰۶ نشان دهنده حرکت متوسط به پایین این متغیر می‌باشد. متغیر مستقل استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی با بهره‌گیری از ۵ گویه در مقیاس رتبه‌ای ۵ گزینه‌ای اندازه‌گیری شده که نمره ۸۹ و حداکثر ۹۵ و حداقل ۶ و میانگین ۲۱/۰۶ نشان می‌دهد که این متغیر بیشترین میزان استفاده در میان شرکت کنندگان در تحقیق را داشته است. متغیر مستقل سن نیز با نمره ۴۴ و حداکثر نمره ۲۰ و حداقل ۱۵ و میانگین ۱۷/۲۳ نشان می‌دهد که نمره این متغیر، متوسط به بالاست.

یافته‌های تحلیلی

براساس نتایج بدست آمده می‌توان ادعا کرد که با بالا رفتن میزان احساس دینداری بین دانش‌آموزان، به همان میزان شکاف نسلی کاهش می‌یابد و عکس آن نیز صادق است. درخصوص میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی نیز اینگونه می‌توان استنباط کرد که هر قدر میزان استفاده از این وسایل بیشتر و بالاتر باشد به همان میزان، شکاف نسلی نیز بیشتر خواهد شد. همچنین می‌توان گفت که هرچه میزان پشتوانه فرهنگی بین افراد جامعه بالا باشد، به همان اندازه میزان شکاف نسلی بین افراد بیشتر می‌شود و عکس آن نیز صادق است. و در پشتوانه اقتصادی نیز به این صورت خواهد بود که هر قدر پشتوانه اقتصادی والدین دانش‌آموزان بیشتر باشد، شکاف نسلی بیشتر خواهد بود. و در نهایت، هرچه میزان سن افراد جامعه بالا باشد، به همان اندازه به میزان شکاف نسلی افزوده می‌شود و عکس آن نیز صادق است. براساس توضیحات فوق و آمار مندرج در جدول شماره ۲، می‌توان ادعا کرد که از بین متغیرهای مستقل به ترتیب استفاده از وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی، پشتوانه اقتصادی، پشتوانه فرهنگی، دینداری و سن، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر شکاف نسلی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های تحقیق حاضر، می‌توان نتیجه گرفت که میزان شکاف نسلی بین دانش‌آموزان، متوسط به پایین است. این موضوع نشان می‌دهد که بسترهای ایجاد و شکل‌گیری انواع آسیب‌های اجتماعی از جمله شکاف نسلی در میان دانش‌آموزان منطقه جنوب شرق تهران وجود دارد. در حقیقت، این مناطق مستعد بروز مسئله شکاف نسلی است. تعارض و اختلاف بین دو نسل را شکاف نسلی نامیده‌اند که در برخی موارد نیز از آن تحت عنوان گسست اجتماعی یاد می‌کنند. بروز فاصله بین یک قشر با گروه سنی دیگر، تعبیری است که در تعریف گسست اجتماعی از آن استفاده می‌شود. حال، این گسست و فاصله می‌تواند در طیفی از فاصله فکری و فرهنگی گرفته تا فاصله عاطفی یا فیزیکی جغرافیایی یا شرایط سطح زندگی باشد. با این تعریف، بروز اختلاف جدی در سطح فکری و فرهنگی دو نسل را می‌توان گسست نامید.

برابر موضوع مطرح شده در اولین مسئله پژوهش حاضر که یافته‌های تحقیق نیز آن را تایید می‌کند، رابطه معناداری بین دینداری و شکاف نسلی وجود دارد. در حقیقت، رابطه‌ای معکوس بین این دو متغیر مشاهده شده است. بدین معنا که دو متغیر دینداری و شکاف نسلی کاملاً در جهت خلاف یکدیگر عمل می‌کنند، یعنی با افزایش یکی، دیگری کاهش می‌یابد و بالعکس؛ همچنین، نظریه دورکیم و وبر نیز مهر تأییدی است بر این مطلب. ماکس وبر معتقد است که بطور کلی دین، دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌های موجود در زندگی

را پاسخ می‌دهد و تلاش در یافتن توجیهی مناسب برای این ناکامی‌ها و مشکلات دارد و در نتیجه، به انسان‌ها این توانایی را می‌دهد تا با آنها کنار آمده و سبب بالا رفتن اعتماد به نفس آنها در برابر اینگونه مشکلات شود. به نظر وبر، یکی از عوامل مهم در زمینه برانگیخته شدن رفتارهای مذهبی در جوامع ابتدایی، تمایل در بقا حیات و لذت بردن از امیال جهان مادی است (سراجزاده، پیشین: ۷۵). پس در مجموع، باتوجه به بالا بودن میزان دینداری در میان دانش‌آموزان و وجود رابطه معنادار دینداری با شکاف نسلی، می‌توان نتیجه گرفت که دینداری به منزله عاملی مهم در کاهش شکاف نسلی عمل کرده و به پایین بودن میزان شکاف نسلی در میان دانش‌آموزان منجر شده است.

در پاسخ به مسئله دوم باید گفت که نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی با بروز شکاف نسلی، بیشترین رابطه معنادار به چشم خورده بگونه‌ای که بیشترین تأثیر را در شکاف نسلی داشته است. در واقع هر چقدر استفاده از این رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد به همان اندازه بر میزان شکاف نسلی افزوده خواهد شد. این یافته‌ها با تئوری مطرح شده توسط اینگلههارت مطابقت دارد. وی اعتقاد دارد که تغییر ارزش‌ها نتیجه گسترش رسانه‌های جمعی است بطوریکه در عصر کنونی، ایجاد شکاف در ارزش‌های انسانی، متأثر از جهانی شدن ارتباطات و رسانه‌های جمعی است. پوشیدن لباس‌های یک شکل توسط جوانان و گوش دادن به موسیقی‌های جدید از نمونه‌های تأثیر استفاده رسانه در تغییر رفتارها و ارزش‌های نسل کنونی و پایبند نبودن آنها به سنت‌های فرهنگی است. همچنین رشد و گسترش تدریجی رسانه‌های جمعی، وسایل ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی، تأثیرات مثبت و منفی فراوانی در زندگی بشر داشته است. از همه مهمتر اینکه در عصر کنونی ظهور اینترنت و فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، بر سبک و کیفیت زندگی بشر، تأثیر بسزایی داشته و روزه‌روز این اثرگذاری در حال افزایش است. بطوریکه زندگی ما هم اکنون تحت تأثیر این رسانه‌های نوین قرار گرفته است، به عبارت دیگر مخاطبان جهانی رسانه‌ها و نسل‌های کنونی در معرض انتشار و نمایش پیام‌های متنوع رسانه‌ای هستند و پیام‌هایی دریافت می‌کنند که می‌تواند سنت‌ها و الگوهای فرهنگی و اجتماعی و نسلی جوامع و همچنین روابط نسلی آنها را دستخوش چالش و دگرگونی کند.

از نظر کارشناسان، حجم پشتوانه‌های اقتصادی و فرهنگی جایگاه بسیار مهمی در بروز فضا و طبقات اجتماعی دارد. یعنی اینکه این پشتوانه‌ها وسیله مناسبی برای تشخیص و تمایز محسوب می‌شود و از اینرو، از اهمیت بالایی برخوردار هستند. باتوجه به موارد مذکور، نتایج تحقیق حاضر نیز همبستگی معنادار بین پشتوانه‌های اقتصادی و فرهنگی و شکاف نسلی را تایید کرده است. بدین معنی که با بالا بودن سطح پشتوانه‌های اقتصادی و فرهنگی در میان افراد جامعه، میزان شکاف نسلی در میان این افراد نیز بالا خواهد بود و هر چقدر سطح

این پشتوانه‌ها پایین باشد به همان میزان نیز سطح شکاف نسلی کمتر خواهد شد. در حقیقت، شکل گرفتن جایگاه افراد در ساختار طبقاتی به میزان پشتوانه‌های فرهنگی و اقتصادی آنها بستگی دارد. در خصوص رابطه بین متغیر سن و شکاف نسلی، تحقیق کنونی نشان داد که با بالا رفتن سن در میان افراد جامعه، میزان شکاف نسلی نیز افزایش می‌یابد. در حقیقت می‌توان ادعا کرد که علت اساسی بروز این شکاف، وجود جامعه تمایز یافته براساس سن است. با چرخش زندگی و ایجاد تغییر و تحول در سن افراد جامعه و مقتضیات سنی آنها، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی افراد نیز دچار تغییر و تحول می‌شود. بدین معنا که ارزش‌های نسل‌های قبلی به تدریج جای خود را به ارزش‌های نسل جدید می‌دهد. و در نهایت باتوجه به آخرین مسئله مطرح شده در خصوص سطح تحصیلات والدین بر ایجاد شکاف نسلی، یافته‌های تحقیق نشان داد که بین سطح تحصیلات والدین بخصوص پدر و شکاف نسلی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش یا کاهش میزان تحصیلات پدران، شکاف نسلی نیز افزایش یا کاهش می‌یابد. براساس یافته‌های تحقیقات مشابه در خانواده‌هایی که در طبقات پایین جامعه زندگی می‌کنند و فرزندان آنها تحصیلات عالی دارند شکاف نسلی بیشتری احساس می‌شود.

پیشنهادات

براساس نتایج این پژوهش می‌توان پیشنهادهایی در این حوزه به شرح ذیل ارائه کرد: باتوجه به رابطه معکوس دینداری با شکاف نسلی، می‌توان با غنی‌سازی روحیه دینداری و ارتقای مولفه‌های مربوط به دینداری میزان شکاف نسلی را در بین دانش‌آموزان کنترل و تعدیل کرد. از طرف دیگر، خانواده اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که در تولید و تقویت روحیه دینداری افراد نقش مهمی ایفا می‌کند و بافت اجتماعی به نوعی متأثر از تحولات خانوادگی است و هرگونه شکافی در فضای خانواده‌ها لزوماً در جامعه نمود می‌یابد. بنابراین، سرمایه‌گذاری مستقیم در آموزش زمینه‌های خانوادگی و سایر نهادهای فرهنگی مستقیماً منجر به کاهش میزان شکاف نسلی می‌شود. امروزه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی از جمله تلویزیون، ماهواره، تلفن همراه، کامپیوتر، اینترنت و شبکه‌های نرم‌افزاری و اطلاعاتی موجود نسل جدید را به امکانات و قدرت تفاسیر متعدد و متنوعی تجهیز کرده است؛ در واقع استفاده از رسانه باعث خلق دنیای جدیدی برای جوانان شده است که دیگر چندان از دیگران فرمان نمی‌برند و تصمیمات را به تنهایی می‌گیرند. از این رو، به نظر می‌رسد که مسئولان امر بایستی با استفاده از همین ابزار ارتباطی در کاهش روحیه فردگرایی و افزایش و ایجاد انگیزه برای روحیه جمع‌گرایی اقدامات لازم را انجام دهند.

فهرست منابع

- ۱- احمدی، یعقوب (۱۳۸۸)، «وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها (مطالعه موردی: شهر سنندج)»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۱.
- ۲- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، مترجم: مریم وکر، تهران: انتشارات کویر.
- ۳- بهار، مه‌ری و رحمانی، سحر (۱۳۹۱)، «بررسی شکاف نسلی به لحاظ وضعیت دینداری دو نسل دهه ۵۰ و ۷۰ با تأکید بر بعد مناسکی»، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، س ۳، ش ۶.
- ۴- زمانیان، علی (۱۳۸۷)، تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۵- سراجزاده، سید حسین (۱۳۸۳)، چالش‌های دین و مدرنیته (مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار شدن)، چ ۱، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۶- شفرز، برنهارد (۱۳۸۳)، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، مترجم: کرامت‌اله راسخ، تهران: نشر نی.
- ۷- شمیرانی، امین (۱۳۹۴)، «بررسی تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر شکاف نسلی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی کازرون»، همایش ملی روانشناسی و مدیریت آسیب‌های اجتماعی.
- ۸- فعلی، جواد (۱۳۸۸)، «تأثیر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی روی میزان اعتماد آنها به پلیس»، فصلنامه انتظام اجتماعی، س ۱، ش ۳.
- ۹- محمدی، عاطفه (۱۳۸۸)، «بررسی مسئله شکاف نسلی در خانواده‌های ایرانی»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، ش ۴۵.
- ۱۰- مرادی، فهیمه (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه شکاف نسلی با میل به مصرف کالاهای فرهنگی میان نسل جوان با نسل بزرگسال»، مجله علمی-پژوهشی مدیریت فرهنگی، دوره ۸.
- ۱۱- معیدفر، سعید (۱۳۸۳)، «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۲۴.
- ۱۲- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۲)، شکاف و گفتگوی نسل‌ها با تأکید بر ایران، تهران: نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ۱۳- موسوی، سیدعلی (۱۳۹۱)، «خانواده، شکاف نسلی و رسانه‌ها»، مجله علوم اجتماعی رسانه و خانواده، س ۱، ش ۴.